

رویکردی میان‌رشته‌ای به ثمرات و دستاوردهای انقلاب مشروطیت

چکیده

انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵) اولین انقلاب قرن بیستم و طلوعه انقلابات این قرن محسوب می‌گردد. هدف این پژوهش بررسی دستاوردهای این انقلاب از منظر مطالعات میان‌رشته‌ای و ارتباط آن با کتب درسی متوسطه اول و دوم است. در علوم انسانی از مهم‌ترین عرصه‌های پرداختن به حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای در کتب درسی، می‌توان به مبحث «انقلاب مشروطه» در کتب (مطالعات اجتماعی پایه نهم، تاریخ ایران و جهان معاصر ۳، تاریخ معاصر ایران، جریان‌شناسی اندیشه معاصر در ایران و...) اشاره کرد. مسئله‌مندی پژوهش حاضر این است که دستاوردهای چندبعدی (سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی) و متکثر انقلاب مشروطه را بررسی کند. به تعبیر دیگر مسئله اصلی و «پرسش کانونی» پژوهش حاضر این است که با عطف به پرهیز از نگاه تک‌بعدی، مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب مشروطه کدامند؟ دبیران مطالعات اجتماعی، دبیران تاریخ و علوم اجتماعی، دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی، تاریخ، علوم سیاسی و... می‌توانند مخاطبان بالقوه این نوشتار پژوهشی باشند. پژوهش حاضر از نظر هدف در دسته تحقیقات کاربردی، از نظر روش گردآوری داده‌ها در دسته تحقیقات اسنادی - کتابخانه‌ای، از نظر ماهیت پژوهش در دسته تحقیقات تاریخی (توصیفی - تحلیلی) قرار می‌گیرد. انقلاب مشروطه، دستاوردهای فراوانی داشته که در صورت‌بندی این نوشتار این دستاوردها در حوزه‌های سیاسی (تبدیل سلطنت مطلقه فردی به سلطنت مشروطه، تدوین قانون اساسی، تشکیل مجلس شورا و هیئت وزیران)، اجتماعی (تشکیل احزاب و نهادهای مدنی، حضور زنان در عرصه اجتماع، تقویت و گسترش احساسات ملی، دگرگونی نظام ارزشی و هنجاری جامعه و...) و اقتصادی (تصویب بودجه سالانه کشور، الغای نظام تیول داری و زمین خواری و...) تحلیل می‌شوند. **واژگان کلیدی:** انقلاب مشروطیت، کتب درسی، میان‌رشته‌ای، مطالعات اجتماعی، تاریخ

An interdisciplinary approach to the fruits and achievements of the constitutional revolution

Abstract

The constitutional revolution is considered the first revolution of the 20th century. The purpose of this research is to examine the achievements of this revolution from the perspective of interdisciplinary studies and its relationship with the first and second high school textbooks.

In the humanities, one of the most important fields of interdisciplinary studies in textbooks is the topic of "constitutional revolution" in books (social studies, history of Iran, etc.) pointed out. The problem of the current research is to examine the multidimensional and multiple achievements of the constitutional revolution. In other words, the main problem and "central question" of the current research is that, avoiding a one-dimensional view, what are the most important achievements of the constitutional revolution? Social studies, history and social science professors, students of social sciences, history, political sciences, etc. They can be the potential audience of this article.

In terms of purpose, the current research is in the category of applied research, in terms of data collection method in the category of library documentary research, in terms of the nature of the research, it is in the category of historical (descriptive-analytical) research.

The constitutional revolution had many achievements, which in the formulation of this article, these achievements are in the political fields (transformation of individual absolute monarchy into constitutional monarchy, drafting of the constitution), social (formation of parties and institutions civil, women's presence in the community, etc.) and economic (approval of the country's annual budget, etc.) are analyzed

Keywords : Constitutional revolution, textbooks, interdisciplinary, social studies, history

مقدمه

انقلاب مشروطیت که در سال (۱۲۸۵ ش ۱۹۰۶م)^۱ به پیروزی رسید، اولین انقلاب قرن بیستم و طلایه انقلابات این قرن محسوب می گردد. انقلابی که مردم را رو در روی شاه و قدرت‌های خارجی قرار داد. مشروطیت تحولی عظیم و بزرگ در کشور ایران و یکی از نقاط عطف و برجسته تاریخ این مرز و بوم می باشد. اما این که مشروطیت موفق بود یا شکست خورد و ناکام ماند، هنوز محل اختلاف نظر است و از زوایای متفاوت و از دیدگاه‌های مختلف علوم انسانی مورد پژوهش و بررسی قرار است. پیش از آغاز بحث، لازم است که گفته شود که این نوشتار به دنبال بررسی علل و عوامل و چرایی وقوع انقلاب در کتب درسی نیست زیرا که خود مجال دیگری را می طلبد. این نوشتار پژوهشی فقط در پی بررسی دستاوردها و ثمرات^۲ این انقلاب و خیزش عمومی سترگ از منظر مطالعات میان‌رشته‌ای و ارتباط آن با کتب درسی متوسطه اول و دوم است و می خواهد این دستاوردها را تحلیل می کند.

بیان مسئله و اهمیت و ضرورت موضوع

در یکی دو دهه اخیر تأکید فراوانی بر ماهیت بین‌رشته‌ای، میان‌رشته‌ای، رویکرد تلفیقی و نگاه ترکیبی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی شده است و بیش از این که بر پسوند شناسی یا لوژی (Logy) تأکید شود بر پیشوند مطالعات (Studeis) تأکید می شود. به عبارت دیگر معمولاً در عرصه علوم انسانی آنجا که مباحث تخصصی و تک‌رشته‌ای است، بر لوژی یا «شناسی» تأکید می شود مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی و... و آنگاه که تأکید بر ماهیت میان‌رشته‌ای و تلفیقی و ترکیبی و بین‌رشته‌ای علوم است از مفهوم «مطالعات» استفاده می شود. نظیر مطالعات اجتماعی، مطالعات فرهنگی، مطالعات فرهنگ و رسانه، مطالعات زنان، مطالعات جوانان، مطالعات تاریخ اجتماعی و... .

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های پرداختن به حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای، کتب درسی است. در این مسیر پیدا کردن محورهای مشترک در دروس مختلف (ارتباطات افقی) و مقاطع و پایه‌های مختلف (ارتباطات عمودی) می تواند سوژه جذابی برای پژوهش و مطالعه و بررسی باشد. از جمله این موضوعات می توان به مبحث «انقلاب مشروطه» در کتب درسی پایه‌های مختلف تحصیلی اشاره کرد. مشخصاً باید گفت که مباحث مرتبط با انقلاب مشروطه در کتاب مطالعات اجتماعی پایه نهم (کد ۹۰۷)^۳، کتاب تاریخ ۳ ایران و جهان معاصر (کد ۱۱۲۲۱۹)^۴ و ویژه دانش‌آموزان پایه دوازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی، کتاب تاریخ معاصر ایران (کد ۱۱۱۲۲۰)^۵ و ویژه دانش‌آموزان سال یازدهم رشته‌های تجربی، ریاضی فیزیک، فنی و حرفه‌ای و کارو دانش، کتاب جریان‌شناسی اندیشه معاصر در ایران (کد ۱۱۲۲۴۲)^۶ و ویژه دانش‌آموزان سال دوازدهم رشته معارف اسلامی ذکر شده است.

در بسیاری از تحلیل‌های صورت گرفته با برجسته‌سازی وجوه سیاسی ثمرات و دستاوردهای انقلاب مشروطه، به دستاوردهای فرهنگی- اجتماعی این جنبش عظیم بی‌توجهی شده است و گاه با پررنگ جلوه دادن دستاوردهای اجتماعی انقلاب مشروطه، دستاوردها و ثمرات اقتصادی این انقلاب کم‌رنگ و حاشیه‌ای تلقی شده است. لذا مسئله‌مندی پژوهش حاضر

^۱ - در تمام موارد سال ها، به تاریخ و تقویم شمسی ذکر شده است.

^۲ - عنوان ثمرات و دستاوردهای انقلاب مشروطه با الهام از عنوان "کارنامه مشروطه" مندرج در کتاب **تاریخ معاصر ایران**، تألیف جواد عباسی، عمادالدین باقی و نصرالله صالحی (۱۳۷۸) به نگارش درآمده است.

^۳ - درس سیزدهم، صص ۸۹-۸۴.

^۴ - درس پنجم، صص ۷۷-۶۱.

^۵ - دروس پنجم (صص ۶۱-۵۳) و ششم (صص ۷۲-۶۲)

^۶ - درس پنجم، صص ۴۳-۳۵.

این است که ثمرات و دستاوردهای چندبعدی (سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی) و متکثر انقلاب مشروطه را مورد مطالعه و واکاوی قرار دهد. به تعبیر دیگر مسئله اصلی و «پرسش کانونی»^۱ پژوهش حاضر این است که با عطف به پرهیز از نگاه تکبعدی، مهم‌ترین دستاوردها و ثمرات انقلاب مشروطه کدامند؟

دبیران مطالعات اجتماعی در مقطع متوسطه اول، دبیران تاریخ و علوم اجتماعی در مقطع متوسطه دوم و نیز دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی، تاریخ، علوم سیاسی و... می‌توانند مخاطبان بالقوه این نوشتار پژوهشی باشند. جهت همگرایی بیشتر این دبیران و آشنایی بیشتر با نگاه ترکیبی و پرهیز از رویکرد تک‌بعدی، بر ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش می‌افزاید. لذا ضرورت دارد که با یک رویکرد میان‌رشته‌ای و ترکیبی (تاریخ، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، اقتصاد، علوم سیاسی و...) مبحث ثمرات و دستاوردها و نتایج انقلاب مشروطیت مورد بررسی قرار بگیرد.

روش‌شناسی پژوهش

موننگومری (۱۹۹۹) تحقیق تاریخی را ارزیابی عینی و روشمند اسناد و مدارک، به منظور دستیابی به واقعیات تاریخی و ترسیم نتایج درباره حوادث و وقایع تاریخی می‌داند. بنابراین، تحقیق تاریخی به دنبال بررسی، تفسیر، یا تحلیل انتقادی از اسناد، شواهد، و مدارک تاریخی است تا بتواند براساس آن به بازسازی یا بازآفرینی گذشته، به جای آفرینش آن بپردازد. (ایمان، ۱۳۹۷: ۱۳۵) با این وصف پژوهش حاضر از نظر هدف در دسته تحقیقات کاربردی، از نظر روش گردآوری داده‌ها در دسته تحقیقات اسنادی- کتابخانه‌ای، از نظر ماهیت پژوهش در دسته تحقیقات تاریخی (توصیفی - تحلیلی) قرار می‌گیرد. در اینجا منظور ما از وجه توصیفی پژوهش این است که «در توصیف هدف عمده مطالعه چگونگی توزیع داده‌های تجربی در میان واحدهای تحلیل است.» (ساعی، ۱۳۸۷) و منظور ما از وجه تحلیلی پژوهش این است که «در روش تحلیلی، هدف فهم و بهبود بخشیدن مجموعه مفاهیم یا ساختار مفهومی است که بر حسب آن تجربه را تفسیر می‌کنیم، مقاصد را بیان می‌داریم، مسائل را ساختبندی می‌کنیم و پژوهش‌ها را به اجرا در می‌آوریم. تحلیل مفهوم ناظر به فراهم آوردن تفسیرهای عینی است که برای مفاهیم کاربردی در مطالعات و طرح‌های برنامه درسی استفاده شده است...» (شورت، ۱۳۹۶) به عبارتی از یک طرف در پی توصیف و شناخت هستیم و از طرف دیگر در پی تحلیل مفاهیم، کشف عناصر و مفاهیم اصلی در یک زمینه تاریخی هستیم.

پژوهش‌های پیشین

با جستجو در مراجع و منابع اطلاعاتی رکوردی مشابه موضوع پژوهش حاضر یافت نشد. به عبارت دیگر، موردی مستقل و حاکی از بررسی دستاوردها و نتایج انقلاب مشروطه به دست نیامد. با این حال چند مورد از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت‌گرفته نزدیک به پژوهش حاضر (دارای قرابت موضوعی و نه شباهت موضوعی) در ادامه بررسی می‌شود:

۱. علی اصغر شمیم (۱۳۷۹) در بخشی از کتاب «ایران در دوران سلطنت قاجار» بر این باور است که صدور فرمان مشروطه و تغییر رژیم سیاسی ایران طی یک نهضت و انقلاب آرام صورت پذیرفت. وی به وجود آمدن شور و هیجان فوق‌العاده در میان آزادی‌خواهان و ملیون و مشروطه‌طلبان، تدارک دیدن برای نظام‌نامه انتخابات، افتتاح مجلس شورای ملی، تدوین قانون اساسی مشروطه و... را از مهمترین دستاوردهای انقلاب مشروطه می‌داند.
۲. عبدالحسین زرینکوب (۱۳۸۱) در مبحث «حاصل مشروطه» در کتاب «روزگاران» بر دستاوردهایی نظیر: به وجود آمد احزاب اعتدالی و اجتماعی در مجلس و در نتیجه ایجاد شدن فضای مناسب برای برقراری دموکراسی و اینکه

¹- focal questions

مفهوم مشروطه که هنوز برای تعدادی از مجلسیان مبهم و نامفهوم بود تا حدی از ابهام بیرون آمد و... را دستاوردهای مهم مشروطه می‌داند. با این حال وی معتقد است مبارزات حزبی و اختلافات شخصی و مسلکی تدریجاً ظاهر شد و مشروطیت به وجود آمده بیش از آن نخواست و آسیب‌پذیر بود که با وجود یک پادشاه صغیر و یک دربار متزلزل و مخصوصاً با وجود اختلاف سران ناتوان در مقابل تحریکات دائم روس و انگلیس در امور جاری، بتواند مشکلات مربوط به سیاست خارجی و داخلی را حل کند.

۳. دیدگاه جان فوران (۱۳۸۲) در بخشی از کتاب «مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران» این است که انقلاب مشروطیت به شکست انجامید اما به عنوان یک جنبش انقلابی و خواهان برهم زدن موازنه قدرت و ماهیت جامعه ایرانی در تاریخ ثبت گردید. گرچه «دولت» مشروطه شد اما خاستگاه‌های اجتماعی‌اش محافظه‌کارانه‌تر شده بود در ایالت‌ها نخبگان پیشین باقی ماندند. مجلس در کنترل اکثریتی از محافظه‌کاران زمین‌دار، بازرگانان عمده و روحانیانی بود که از روند پرشتاب حوادث وحشت داشتند. عناصر ضد انقلاب ایران در کابینه، دربار، مجلس، بزرگ مالکان، بازرگانان عمده و بعضی از روحانیان خواهان مداخله ارتش روسیه در ایران و سرکوب انقلاب مشروطیت بودند. وی بر این باور است که انقلاب مشروطیت بر اثر جابجایی و شکنندگی و تغییر سریع ائتلاف‌ها، فشار و مداخله خارجی، بی‌ثباتی حکمفرما شده در داخل کشور و... به شکست انجامید. بعد از پایان یافتن ائتلاف مشروطه خواهان مخالف سلطنت، کسانی که نهایتاً ضامن وابستگی ایران بودند، با مداخله خود به حفظ نظام استبدادی و سرکوب نهضت مردمی پرداختند.

۴. روح‌ا... حسینیان (۱۳۹۱) در بخش‌های پایانی کتاب «چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه» مواردی نظیر: در هم شکستن استبداد، فراهم کردن مشارکت مردم در اداره کشور و تأسیس مجلس با همه نواقص آن را از دستاوردهای مهم انقلاب مشروطه می‌داند ولی مواردی نظیر: تحت‌الشعاع قرار گرفتن قاعده نفی‌سبیل (دکترین عدم‌سلطه) به خاطر آرمان سرنوشتی استبداد داخلی، از حل نشدن مشکلات کشور به کنار، بلکه افزوده شدن بر مشکلات (ناامنی، عدم اقتدار حکومت و ناکارآمدی، در نتیجه جامعه و مردم در آرزوی منجی‌ای دیکتاتور به سر بردن)، ربودن رهبری نهضت از دست روحانیت و به دنبال آن روحانیت به شکل حامی و دنباله‌رو نهضت و بعضاً در بسیاری از مواقع، ابزار دست روشنفکران و غرب‌گرایان قرار گرفتن، کاسته شدن قدرت روحانیت و سرانجام یأس و انزوای آنان و... را از ناکامی‌ها و مشروطه می‌داند.

ملاحظات بر وضعیت جامعه ایران ما قبل از انقلاب مشروطه

حکومت قاجاریه

حکومت قاجارها در سال ۱۱۷۴ تأسیس شد و در طول یک و نیم قرن حیات خود شاهد حضور پادشاهانی مستبد بر جامعه ایران بوده است. اوج این استبداد را می‌توان در دوران حکومت چهارمین شاه این سلسله یعنی ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۲۶ تا ۱۲۷۵) مشاهده کرد که نزدیک به پنجاه سال با استبداد تمام، بر جامعه ایرانی حکم راند. فرخی یزدی (۱۲۶۷-۱۳۱۸) روزنامه نگار معروف در شرح زندگی خود می‌نویسد: زمانی که من به دنیا آمدم (عهد ناصری) شاه قاجار و خانواده وی و شاهزادگان قجری، مملکت را مانند گوشت قربانی بین خود تقسیم کرده بودند و هر کدام سعی می‌کردند بیش‌تر از دیگری رعیت را چپاول و غارت کنند. (نقل به مضمون)

حکومت ایران در زمان قجرها شاهد حضور استبداد، استثمار، استحمار و استعمار به صورت توأمان بوده است. حضور و سیطره انگلیس و روسیه (استعمار)^۱ در این دوران فلاکت‌زا بر کسی پوشیده نیست اما از طرف دیگر سه ویژگی شاه قاجار (استبداد، استثمار و استحمار) درد درونزا و بلای جامعه شده بود؛ یعنی شاه از یک سو با استبداد تمام بر کشور حکم می‌راند و هرگونه اراده مخالف و مستقل^۲ را به شدت سرکوب می‌کرد و از نظم و قانون و مشورت به شدت گریزان بود؛ مثلاً مترجمانی که روزنامه‌های خارجی را برای او ترجمه می‌کردند، به آن‌ها دستور داده شده بود که کلمه «قانون» را چیز دیگری معنی کنند چون طبع ملوکانه به شدت با قاعده و قانون مخالف بود (حتی در قالب واژگان و کلمات)؛ و از دیگر سو به شدت توده مردم را استثمار می‌کرد و با گرفتن انواع مالیات و باج و نظام تیول داری، رعیت را به ستوه آورده بود. او در طی سه سفر خود به فرنگ، هزینه‌های هنگفتی را به مردم تحمیل کرد و مبالغ گزافی را نیز از بیگانگان وام دریافت کرد. علاوه بر این به شدت در استحمار و تحمیل مردم می‌کوشید و بر این باور بود که مردم حتی نباید فرق بین «کلم» و «بروکسل» را بدانند. پس از این شاه جبار، پسر علیش، مظفرالدین شاه قاجار به قدرت رسید (۱۲۷۵ تا ۱۲۸۵) ولی کار مثبت او امضا و صدور فرمان مشروطیت بود و ده روز بعد در گذشت.

گفتمان مسلط در عصر پیش از مشروطه

دکتر حسین بشیریه پژوهشگر معاصر، در صورت‌بندی گفتمانی خود، گفتمان مسلط در این دوران را به عنوان "پاتریمونیالیسم سنتی" معرفی می‌کند. از عناصر گفتمان پاتریمونیالیسم سنتی می‌توان «نظریه شاهی ایرانی، نظریه سیاسی شیعه به تعبیر دوران صفویه، شیوه خاص استبداد دوران قاجار و پدرسالاری قبیله‌ای را نام برد و بر اقتدار و اطاعت مطلقه، پدرسالاری سیاسی، قداست دولت و رابطه مستمر آن با خدا، رابطه میان حکام و علمای دین و ساختار قدرت عمودی یکجانبه و غیر مشارکتی و غیر رقابتی تأکید می‌گذاشت و فضای ساختاری لازم را برای اطاعت‌پذیری، فرصت طلبی، اقتدارگرایی، انفعال سیاسی، اعتراض خاموش، ترس گسترده، و بدبینی و بی‌اعتمادی سیاسی شکل می‌داد ... طبعاً فرهنگ سیاسی پاتریمونیالیستی با این ویژگی‌ها جایی برای رقابت و مشارکت سیاسی ایجاد نمی‌کرد.» (بشیریه، ۱۳۸۵: ۶۶، ۶۵)

مشروطیت یعنی چه؟

مشروطیت به معنی مفید کردن، محدود کردن و مشروط کردن قدرت به قاعده و قانون است؛ یعنی نقطه مقابل حکومت استبدادی و مطلقه فردی. حکومت مطلقه فردی یعنی «حکومت غیر مشروط، نامسئول و فرا قانون.» (محمدی، ۱۳۷۶: ۲۳) برای ریشه و معنی لغوی "مشروطه"، توضیحات مختلفی بیان شده است. مثلاً مصطفی رحیمی معتقد است: «کلمه مشروطه که مانند کلمه‌های عدلیه، نظمیه، بلدیّه از اصطلاحات عثمانیان اقتباس شده، از لغت شارت (chart) فرانسه معادل چارتر انگلیس مأخوذ از لغت کارت لاتین آمده که معنی آن منشور و قانون است. مراد از حکومت مشروطه حکومت متکی به قانون است.» (رحیمی، ۱۳۵۸: ۶۴) و نیز داریوش آشوری مترجم و دانشور ایرانی بر این باور است که «مشروطه رژیم سیاسی یا حکومتی است که دامنه کاربرد قدرت در آن محدود به حدود قانونی است و به همین دلیل در برابر مفهوم حکومت استبدادی و دیکتاتوری قرار دارد. به عبارت دیگر حکومت مشروطه (Constitutional Government) برابر با حکومت قانون یا قانون‌روایی است.» (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۴۳)

^۱ - برای اطلاع بیشتر از چگونگی نفوذ استعمارگران روس و انگلیس ر.ک: حائری، عبدالهادی (۱۳۸۷)؛ نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیر کبیر، صص ۲۳۱ تا ۲۷۱.

^۲ - ناصرالدین شاه این گونه افکار و اندیشه‌ها را "خیالات" می‌نامید.

یافته‌های پژوهش

انقلاب مشروطه در مقام و قالب تحدید و مشروط نمودن قدرت مطلقه، دستاوردهای فراوانی داشته که در صورت‌بندی این نوشتار این دستاوردها در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحلیل می‌شوند.

دستاوردهای سیاسی

تبدیل سلطنت مطلقه فردی به سلطنت مشروطه

«انقلاب مشروطه طغیانی بود از قبیل طغیان‌های تاریخ ایران بر ضد دولت استبداد کهن؛ اما این انقلاب یک تفاوت مشخص هم با قیام‌های قبلی داشت. به سبب آموخته‌هایی از تجارب اروپاییان. در نتیجه نه فقط علیه حکومت استبدادی بود بلکه برضد نفس نظام استبدادی بود و خواسته اش قانون و چیز دیگری که مترادف آن تصور می‌شد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۷۴) به دنبال این انقلاب و آگاه شدن از مضرات حکومت استبدادی، مدل حکومت تغییر یافت و حکومت بی قید و شرط و نامحدود سلطان به سلطنت مشروطه تبدیل شد و بسیاری از اختیارات شاه کاهش یافت و به نهادهای دیگر منتقل و تفویض شد؛ همچنین در قانون اساسی مشروطه قید شد که شاه باید سلطنت کند نه حکومت؛ یعنی شاه باید به یک نماد و سمبل تبدیل شود و از دخالت‌های بی جا در امور کشور خودداری کند؛ مشخصاً در اصل ۳۵ متمم قانون اساسی مشروطه عنوان شد «سلطنت موهبتی الهی است که از طرف مردم به شاه به ودیعه داده شده است». در ایام حکومت محمد علی شاه، شب نامه‌های پخش می‌شد که در یکی از آن‌ها ذکر شده بود: «وقتی از مادر زاده شدی صاحب تخت و تاج نبودی، فرمان حکومت مطلقه را از یک جهان ناپیدای معنوی دریافت نکرده بودی، بقای حکومت تو به رضایت مردم بستگی دارد و...» (براون، ۱۳۷۶: ۱۷۱).

در واقع یک تحول و دگردیسی عمده‌ای در مورد مشروعیت حکومت پدید آمد و منشاء قدرت شاه نه الهی و آسمانی، بلکه زمینی و دنیوی اعلام شد. صادق زیباکلام معتقد است: «مشروطه در حقیقت کاری در ایران کرد که بسیاری معتقدند ماکیاول در اندیشه سیاسی غرب کرد. این دو را ما از بابت ایجاد فلسفه حکومت مدرن همسان می‌گیریم. ماکیاول حکومت را از آسمانی بودن، آورد و زمینی اش کرد. به نظر من مشروطه هم همین کار را کرد. تا قبل از مشروطه نگرش ما به حکومت یک نگرش قدسی بود. به قول دکتر طباطبایی نگرش ایران شاهی و فرآیزدی بود. تا قبل از مشروطه حکومت در آسمان قرار داشت و شاه سایه خدا بود... مشروطه فلسفه سیاسی ما ایرانیان، علما، مراجع، روحانیون، روشنفکران، تاریک فکران، بازاریان و تجار را نسبت به حکومت عوض کرد و آن را زمینی کرد.» (زیباکلام، ۱۳۸۰: ۷۵)

برای توضیح و تبیین سلطنت مشروطه در برابر سلطنت مطلقه، می‌توان از آموزه حق / روش کارل پوپر^۱ کمک گرفت. پوپر معتقد بود در فلسفه سیاسی جهان قدیم، سوال اساسی این بود که چه کسی حکومت کند؟ یعنی حکومت یک حق بود. برخی می‌گفتند، حکومت حق افراد زورمند است، برخی آن را حق افراد شریف و با اصل و نسب می‌دانستند و... اما سوال جهان جدید این است که چگونه حکومت کنیم؟ یعنی حکومت یک روش است و جواب آن، روش دموکراسی است؛ به طوری که مردم در سرنوشت خود دخالت و تأثیر داشته باشند.

^۱ - کارل ریمون پوپر؛ فیلسوف مشهور اتریشی قرن بیستم (۱۹۰۲ - ۱۹۹۸م) با آثاری نظیر منطق اکتشاف علمی، درس این قرن، جامعه باز و دشمنان آن و

تدوین قانون اساسی

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب مشروطه این بود که کشور ایران به سبک کشورهای اروپایی صاحب قانون اساسی شد. این قانون و نظام نامه دارای ۵۱ اصل بود و بعداً متممی با ۱۰۷ اصل و نیز یک اصل الحاقی در مورد بازنگری در قانون اساسی به آن افزوده شد. این قانون با حضور نخبگان و با الگوبرداری از قوانین اساسی برخی ملل مغرب زمین نظیر فرانسه، بلژیک و... تطبیق با شرع اسلام تدوین و تنظیم شد که در آن تفکیک قوا به رسمیت شناخته شده بود و قانون برای حکومت و ملت حقوق و تکالیفی را در نظر گرفته بود.^۱

تشکیل مجلس شورای ملی

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب مشروطه، ایجاد مجلس یا "دارالشورای ملی" بود؛ یعنی مکانی که نمایندگان و وکلای مردم در آنجا حاضر شوند و به تصویب قوانین برای اداره بهتر کشور بپردازند. لازم به ذکر است که در دوره ناصرالدین شاه برای مدت محدودی مجمعی مشورتی با عنوان "مجلس امرای جمهور" تشکیل شده بود و اعضای آن را شاه منسوب می کرد که البته بیشتر جنبه ظاهری و صوری داشت.

اما با وقوع انقلاب مشروطه، بر طبق اساسنامه انتخابات، نمایندگان و وکلا از شش دسته برگزیده می شدند: «۱. شاهزادگان قاجاری، ۲. علما و روحانیون، ۳. ملاکین، ۴. اعیان و اشراف، ۵. تجار و بازرگانان و ۶. اصناف.» (فوران، ۱۳۸۲: ۲۶۲) و (آبراهامیان، ۱۳۹۳: ۱۱۰) در مجلس شورای ملی، ایلات پنج گانه کشور هر کدام صاحب یک کرسی نمایندگی بودند و اقلیت های زردشتی، یهودی، ارامنه و نسطوریان هر کدام یک نماینده داشتند؛ "عضدالملک" به عنوان اولین رئیس مجلس انتخاب شد و صورت مذاکرات مجلس نیز در نشریه "مجلس" منتشر می شد.

البته مجالس اولیه دارای مشکلاتی نیز بودند. مجلس اول (۱۲۸۵-۱۲۸۷) توسط محمد علی شاه به توپ بسته شد، مجلس دوم (۱۲۸۸-۱۲۹۰) با فشار و اولتیماتوم روس ها تعطیل شد، مجلس سوم (۱۲۹۳-۱۲۹۵) نیز به تعطیلی کشانده شد و به تعبیر شهید مدرس خیلی زود جوانمرگ شد. اما این مجالس با وجود مشکلات فراوان، خدمات ارزنده ای نیز انجام دادند؛ مثلاً اخراج و برکناری "موسیو نوز" بلژیکی از اداره امور مالی و گمرکی، کاهش سن رای دهندگان برای مشارکت بیشتر، کاهش میزان ثروت داوطلبان نمایندگی برای رقابت بیشتر، تصویب نخستین بودجه کل کشور و... .

تشکیل هیئت دولت یا هیئت وزیران

تا قبل از انقلاب مشروطه، شاه به طور خودکامه تمام امور کشور را در دست داشت و بعضاً چندین وزارتخانه کم اثر را نیز ایجاد کرده بود. اما در پرتو قانون اساسی انقلاب مشروطه و به رسمیت شناخته شدن اصل تفکیک قوا، وضعیت تغییر یافت و کشور دارای سه قوه مقننه، قضاییه و مجریه شد. ابتدا شاه فردی را به عنوان نخست وزیر برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می کرد، سپس نخست وزیر که در واقع رئیس الوزرا و مسئول قوه مجریه بود، نامزدهای پیشنهادی وزارت را برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می کرد و در صورت کسب رأی اعتماد، بر مصدر وزارت قرار می گرفتند.

^۱ - مخبرالسلطنه هدایت نوشته است: «صنیع الدوله، محنشم السلطنه، مشیرالملک، موتمن الملک و نگارنده، معین شدیم نظام نامه انتخابات را بنویسیم.» (خاطرات و خطرات، ص ۱۸۹)

اولین کابینه مشروطه توسط "میرزا نصرالله خان مشیرالدوله" تشکیل شد که شامل افراد زیر بود: «۱. میرزا محمدعلی خان علاء السلطنه (وزارت خارجه)، ۲. سلطانعلی خان (داخله)، ۳. میرزا احمد خان مشیر السلطنه (عدلیه)، ۴. میرزا نظام الدین خان کاشی (معادن، طرق و شوارع)، ۵. میرزا محمود خان علاء الملک (علوم و معارف)، ۶. دبیرالدوله (جنگ یا لشکر)، ۷. میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک (مالیه) و ۸. ابوالحسن خان مخبر الملک (تجارت)» (دلیری، ۱۳۸۴: ۱۹) البته مجلس بر کار وزرا نظارت می کرد و در این کار از ابزارهایی مانند تذکر، سوال و استیضاح برخوردار بود.

دستاوردهای اجتماعی

تشکیل احزاب و کار تشکیلاتی شناسنامه دار^۱

به برکت مشروطیت کشور داری حزب شد و انجمن های مخفی ماقبل از مشروطه و نیز فعالان سیاسی در قالب احزاب و تشکلهای رسمی به فعالیت پرداختند؛ به طوری که مجلس اول داری سه جناح سلطنت طلب، میانه رو و ترقی خواه بود، اما فعالیت های حزبی و فراکسیونی در مجلس دوم منسجم تر گردید. در این دوره دو حزب در حوزه قدرت و سیاست ظاهر گردید: (الف) حزب اجتماعیون اعتدالیون، (ب) حزب دموکرات عامیون.

حزب اعتدالیون دارای اکثریت مجلس بود و از برخی چهره های شاخص آن می توان به بهبهانی، طباطبایی و... اشاره کرد. این حزب دارای مواضع میانه رو و گرایش های نسبتاً محافظه کارانه ای بود و از پیوند دین و سیاست، اهمیت کانون خانواده، تقویت تعاونی ها، مبارزه با هرج و مرج طلبی فتنه گران و بی دینان، قوانین شریعت و... دفاع می کرد. روزنامه "مجلس" ارگان رسمی این حزب بود.

حزب دموکرات که فراکسیون اقلیت را تشکیل می داد و چهره های شاخص آن تقی زاده، سلیمان میرزا اسکندری، میرزا شهاب بقایی و... بودند. این حزب دارای مواضع و گرایش های نسبتاً رادیکال و سکولار بود و از جدایی دین از سیاست، تساوی در برابر قانون، اصلاحات ارضی، آموزش رایگان برای زنان و دختران، کاهش ساعات کار روزانه به ۱۰ ساعت و... دفاع می کرد. نشریه "ایران نو" ارگان رسمی این حزب بود.

گسترش مطبوعات آزاد و مستقل

آغاز فعالیت روزنامه نگاری در ایران به سال ۱۲۱۶ - یعنی انتشار نشریه "کاغذ اخبار" توسط میرزا صالح کازرونی شیرازی - برمی گردد و به تدریج تعداد این روزنامه ها که غالباً روزانه منتشر نمی شدند، افزایش یافت اما از آزادی چندانی برخوردار نبودند و قانونی نیز حامی آنها نبود. در دوران پیش از انقلاب مشروطه، تعدادی از روزنامه های با مشی آزادیخواهانه در خارج از کشور چاپ می شد و مخفیانه به ایران می آمد؛ اما در پرتو قانون اساسی مشروطه اصولی برای آزادی عقیده و مطبوعات در نظر گرفته شد و تعداد این نشریات به طور فزاینده ای سیر صعودی به خود گرفت. برخی از این نشریات عبارت بودند از مجلس، ایران نو، وقت، صور اسرافیل، ملا نصرالدین و

حضور زنان در عرصه اجتماع

^۱ - علت اینکه احزاب در حوزه اجتماعی و نه سیاسی، صورتبندی شده این است که یک حزب، تماماً در عرصه سیاست و قدرت قرار ندارد. احزاب بخشی از جامعه مدنی اند و پای در قدرت دارند و پای در جامعه مدنی، و نیز پایگاه شان در طبقات اجتماعی است. (میرزایی، و خزایی، ۱۳۹۹: ۳۳)

قبل از مشروطیت زنان در چندین مقطع تاریخی، نظیر جنبش تنباکو به ایفای نقش پرداخته بودند؛ اما در جریان انقلاب مشروطه و رخداد‌های پس از آن زنان حضور پررنگ‌تر و منسجم‌تری یافتند. اما علی‌رغم این، آنان از شرکت در انتخابات محروم بودند؛ به طوری که «قانون اساسی ۱۲۸۵ ایران هیچ حقی برای زنان قائل نشده بود و آنان را همراه با مهجوران و مجرمان از حق رای محروم کرده بود» (ساناساریان، ۱۳۸۳: ۳۸). ولی از تلاش در جهت احقاق و افزایش حقوق خود دست بر نداشتند. در این دوره بر تعداد زنان مدیر مسئول جراید افزوده شد. صاحب مدرسه ویژه نسوان و حق تعلیم و تربیت شدند، به ایراد سخنرانی‌های آتشین در حمایت مشروطه خواهان و مخالفت با محمد علی شاه پرداختند، به طوری که «در جریان محاصره مجلس اول، ۳۰۰ زن مسلح و غیر مسلح به حمایت مجلسیان آمدند. در میان شهدای مقاومت آذربایجان علیه استبداد محمدعلی شاه، جسد بیست زن که لباس مردانه به تن داشتند مشاهده شده بود» (فوران، ۱۳۸۲: ۲۷۶) و نیز در دوره اول مجلس که زمزمه تشکیل بانکی موسوم به بانک ملی به میان آمد، زنان با فروش جواهرات خود تلاش کردند که سرمایه لازم را برای این کار تأمین کنند. در این مقطع زمانی انجمن‌ها و جمعیت‌های خاص زنان و نسوان رشد زیادی یافت.

تقویت و گسترش احساسات ملی و ناسیونالیستی

در جریان افتتاح مجلس شورای ملی و نیز حوادث سال ۱۲۸۶ بود که برای اولین بار فریاد "پاینده باد ملت ایران" و «زنده باد ملت ایران!» (کرمانی، ۱۳۴۶: ۳۶۴) به گوش رسید. «تا پیش از مشروطه واژه "وطن" در شعر کلاسیک فارسی از معنای مدرنی که امروزه دارد خالی بود» (نجاتی، ۱۳۸۴: ۴۰) تا پیش از آن برای مفهوم "ملت ایران" از واژه‌هایی مانند مملکت، ممالک محروسه و... به کار می‌رفت. اما در انقلاب مشروطیت احساسات ملی تقویت شد. شعرا در وصف وطن، وطن پرستی و ملت و... اشعار فراوانی سرودند و به تدریج مفهوم "ملت ایران" از حالت جنینی خارج شد و تکامل یافت. این احساس به احساس استقلال ملی، مقابله با بیگانگان و... دامن می‌زد.

دگرگونی نظام ارزشی و هنجاری جامعه

در انقلاب مشروطه، نظام و ساختار ارزشی جامعه تغییر اساسی یافت و بسیاری از ارزش‌های رایج جامعه، محل تردید قرار گرفت و ارزش‌های نوینی مبتنی بر مردم سالاری و برابری جای آن‌ها را گرفتند. در واقع «به رغم بی‌عدالتی‌هایی که وجود داشت، اعتراض مردم، بازاری‌ها و روحانیان به دربار زمانی آغاز شد که اندیشه‌های جدید تشکیل عدالتخانه، آزادی و مشروطه، به عنوان ارزش‌ها و هنجارهای جدید تحت تأثیر رابطه با اروپا در جامعه رواج یافت و انقلاب مشروطه با هدف جایگزینی این ارزش‌ها به جای ارزش‌های گذشته شکل گرفت ... ورود ارزش‌های مردم سالاری به جامعه ایران و تأکید بر آزادی، پایه بهره‌مندی‌های خانواده‌های شاهی و وابستگان آن را در عصر مشروطیت سست کرد و در دوره‌های بعد نیز بهره‌مندی‌های مبتنی بر نسب و وابستگی خانوادگی را مورد تردید قرار داد» (رجب زاده، ۱۳۸۸: ۶۷ و ۷۴).

احساس شهروندی و افزایش حس خودباوری

توده مردم دریافته‌اند که پس از قرن‌ها می‌توانند در سرنوشت خود مؤثر باشند و در کشور صاحب آزادی، برابری و برادری شوند. در تقویت و گسترش این امر روحانیون، روشنفکران، روزنامه نگاران، تجار و... بسیار نقش داشتند. مردم اگر در سابق خود را رعیت حس می‌کردند، اکنون برای خود کرامت و ارزش قائل بودند. رعیت مفهومی سنتی و متعلق به جهان گذشته بود. وی انسانی بود موظف و مکلف و از حقوق چندانی برخوردار نبود. اما شهروند مفهومی مدرن و متعلق به جهان جدید می‌باشد. وی

انسانی است محق و دارای حق. مانند حق آزادی بیان، آزادی انتخاب شغل، آزادی عقیده، حق برخورداری از آموزش و پرورش و... است.

نقل است که در سال‌های آغازین مشروطیت، شخص بنایی برای تعمیرات به منزل یکی از دولتمردان می‌رود. به او سلام می‌کند ولی در مقابل وی تعظیم و کرنش نمی‌کند. خدمتکار منزل از وی می‌پرسد تو چرا سلام کردی ولی در مقابل آقا تعظیم نکردی؟ بنا جواب می‌دهد مگر خبر نداری که ما حکومت مشروطه داریم و در حکومت مشروطه تعظیم وجود ندارد و همه مثل هم هستند!

دستاوردهای اقتصادی

مشروطیت علاوه بر دستاوردهای سیاسی و اجتماعی، دارای دستاوردهای اقتصادی فراوانی نیز بود. برخی از این دستاوردها عبارتند از:

- ۱- تصویب بودجه سالانه کشور؛
- ۲- انحلال خزانه سلطنتی و مصادره ی اموال و دارایی‌های آن به خزانه ی عمومی؛
- ۳- بازنگری در حقوق و مواجب شاه؛
- ۴- قطع مستمری و مواجب هنگفت شاهزادگان و کاستن از هزینه‌های دربار؛
- ۵- جلوگیری از اخذ وام‌های غیرضروری از بیگانگان؛
- ۶- استخدام کارشناسان مالی و اقتصادی از کشورهای بی طرف مانند آمریکا^۱ برای سامان دادن به امور مالی و اقتصادی کشور؛
- ۷- الغای نظام تیول داری و زمین خواری؛
- ۸- جلوگیری از سوء استفاده‌های مأموران مالیاتی و کارگزاران حکومتی؛
- ۹- افزایش امنیت در امور بازرگانی؛

نتیجه‌گیری

انقلاب مشروطه به عنوان اولین انقلاب قرن بیستم، حدود ۱۱۵ سال پیش به وقوع پیوست و اثرات آن تا کنون نیز باقی مانده است. این نوشتار در پی آن نبوده که انقلاب مشروطه را بسیار موفق بداند و مدعی شود به کلیه اهداف و آرمان‌های خود دست یافته است. همین بس که ظهور دیکتاتوری رضاخان و به سخره گرفتن مشروطیت و "طویل" خواندن مجلس شورای ملی و فرمایشی شدن مجالس و دولت‌های بعدی، نشان از ناکامی مشروطیت می‌باشد؛ اما در عین حال، دارای دستاوردها و نتایجی بوده که هیچ منتقد منصفی نمی‌تواند آن‌ها را انکار کند. این نوشتار نشان داد که انقلاب مشروطه ایران به عنوان اولین سنگ بنای مردم سالاری و طلیعه حاکمیت قانون و مقید و محدود نمودن حکومت مطلقه در منطقه خاورمیانه، در یک قرن پیش خوش درخشید و اگرچه دولت مستعجل بود ولی دستاوردهای مهمی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشت. به طوری که تبار و عقبه برخی سنن مردم سالاری این سرزمین در عصر حاضر، به انقلاب مشروطه برمی گردد. انقلاب مشروطه میراث گران سنگ ما در یک قرن پیش است و بازخوانی و قرائت مجدد و خوانشی نو از دستاوردها و نتایج آن، نیاز اساسی امروز جامعه ماست.

^۱ - در آن زمان آمریکا یک کشور بی طرف (نسبت به روس و انگلیس) محسوب می‌شد. آغاز مداخلات جدی آمریکا در کشور ایران به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر می‌گردد.

فهرست منابع و مآخذ:

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گلمحمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۸). *دانشنامه سیاسی*، تهران: نشر مروارید.
- براون، ادوارد (۱۳۷۶). *انقلاب ایران*، ترجمه مهری قزوینی، تهران: نشر کویر.
- بشیری، حسین (۱۳۸۱). *دیباچه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران؛ دوره جمهوری اسلامی*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بشیری، حسین (۱۳۸۸). *جامعه شناسی سیاسی*، چاپ هفدهم، تهران: نشر نی.
- حسینیان، روح ا... (۱۳۹۱). *چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دلیری، جواد (۱۳۸۴). «دولتمردان در ایران» *روزنامه ایران*، شماره ۳۲۲۸، مورخه ۳۰ مرداد ۱۳۸۴، صفحه ۱۹.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۵۷). *قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- رجب زاده، هاشم (۱۳۸۸). *جامعه شناسی (۱)*، چاپ نهم، تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- زربینکوب، عبدالحسین (۱۳۸۱). *روزگاران؛ تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی*، چ چهارم، تهران: انتشارات سخن.
- زیباکلام، صادق (۱۳۸۰). «تحلیل مشروطیت»، *نشریه/اصلاحات رمز بقا*، ویژه نامه شانزدهمین اردوی سالانه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم تهران، شهریور ۱۳۸۰.
- سانا ساریان، الیز (۱۳۸۳). *جنبش حقوق زنان در ایران: طغیان، افول و سرکوب*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر اختران.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۹). *ایران در دوران سلطنت قاجار*، تهران: انتشارات زریاب.
- صالحی، نصرالله (۱۳۸۷). *اندیشه تجدد و ترقی در عصر بحران*، تهران: انتشارات طهوری.
- فوران، جان (۱۳۸۲). *مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۲). *دولت و جامعه در ایران*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر نی.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۴۶). *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- نجاتی، علی محمد (۱۳۸۴). «ادبیات وطنیه؛ گرایش به ناسیونالیسم در ادبیات مشروطه»، *ویژه نامه رساله مشروطه‌خواهی*، ضمیمه روزنامه شرق، مرداد ۱۳۸۴.
- محمدی، مجید (۱۳۷۶). *جامعه مدنی به منزله یک روش*، تهران: نشر قطره.
- میرزایی، جمشید و خزایی، فاطمه (۱۳۹۹). *بررسی جایگاه «جامعه مدنی در کتب درسی؛ با تأکید بر کتب مطالعات اجتماعی مقاطع ابتدایی و متوسطه اول»*، فصلنامه پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی، سال دوم، شماره ۲ (۴)، صص ۴۶-۱۹.